

بررسی نقش رسانه ها در امنیت ملی

دکتر عبدالرضا شاه محمدی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Email: abreza@gmail.com

چکیده

وسایل ارتباط جمعی ملی و یا فرا ملی می‌توانند با برنامه‌ها و پیام‌های خود همبستگی و یا گسستگی تازه‌ای را برای مخاطبان خویش بوجود آورند که می‌تواند زمینه ساز بحران‌های اخلاقی، هویتی، فرهنگی و اجتماعی باشد. وسایل ارتباط جمعی در حفظ و تحکیم وفاق ملی چه به لحاظ سخت افزاری و چه به لحاظ نرم افزاری، بالا بردن توان انتخاب جامعه، افزایش مشارکت، رقابت و پویایی شهروندان، درونی و نهادی کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی ساز و کارهای حل و فصل تعارض‌ها و چندگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله سعی دارد نقش وسایل ارتباط جمعی را در وفاق ملی و همبستگی که از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار بر امنیت ملی می‌باشد را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: وسایل ارتباط جمعی، افکار عمومی، وفاق ملی، سلطه رسانه، امنیت، امنیت ملی، همبستگی

مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف شده است. عصری که در آن وسایل ارتباط جمعی بزرگترین نقش را در دگرگونی و تغییر در جوامع مختلف بازی می‌کنند. آنها حتی می‌توانند بر امنیت ملی کشورها تاثیر داشته و شرایط جدیدی را برای کشورها بوجود آورند. امنیت ملی مفهومی پویا و وابسته به عناصر سازنده و نگاه دارنده قدرت اجتماعی است. به همان میزان که ماهیت قدرت و ساخت اجتماعی آن، که با تغییرات و دگرگونی‌هایی مواجه می‌شود، تعریف امنیت ملی نیز دستخوش تحولاتی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگون‌کننده ساخت و بافت قدرت در جهان معاصر، فرایند توسعه و سازو کارها و شدت و شتاب آنها می‌باشد. در این فرآیند مولفه‌های جدیدی بر تکوین، استقرار و قوام قدرت در سطح ملی و بین‌المللی تاثیر گذاشته است. یکی از مهمترین مولفه‌ها در این خصوص پدیده افکار عمومی و چگونگی سامان‌یابی آن و اثرگذاری بر آن است. امروزه وسایل ارتباط جمعی، به عنوان محل و مجرای جهت‌شکل‌گیری این عنصر موثر در قدرت امنیت ملی و بین‌المللی بسیار مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش وسایل ارتباط جمعی در امنیت ملی می‌باشد و بر این اساس باید گفت که پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط به موضوع مورد بررسی می‌باشد. از آنجا که در پژوهش حاضر کلیه منابع و مراجع موجود فیش برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، نمونه‌گیری انجام نشده و کلیه منابع و مراجع در دسترس مذکور مورد بررسی و تحلیل واقع شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش حاضر استفاده نشده، ولی در این ارتباط از فرم‌های فیش برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است.

شیوه تحلیل داده‌ها

از آنجا که داده‌های به دست آمده کیفی است، بنابر این از تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی آنها استفاده شده است.

وسایل ارتباط جمعی

در سراسر تاریخ، انسان‌ها همواره در پی بهبود توانایی خویش برای کسب و دریافت اطلاعات در باره محیط پیرامون خود و افزایش سرعت، موضوع و تنوع در انتقال اطلاعات مربوط به خود بوده‌اند. آنان، کار برقراری ارتباط را با استفاده از اشارات سر، دست و علایم صوتی آغاز کردند و برای انتقال پیام‌های خود به توسعه و تکمیل یک رشته ابزار غیر لفظی مانند طبل، موسیقی، آتش و نقاشی پرداختند. بر کسی پوشیده نیست که ارتباطات و وسایل ارتباطی نوین، دارای مشخصات گوناگونی می‌باشند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که وسایل ارتباطی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما و اینترنت، به جهت آنکه با گروه‌های وسیع انسانی سر و کار دارند و پیام‌های خود را در اختیار میلیون‌ها خواننده، شنونده و بیننده قرار می‌دهند، مشخصات اجتماعی خاصی پیدا کرده‌اند. (معمدنژاد، ۱۳۷۱: ۲۳) سرعت، وسعت انتقال و انتشار مطالب مطبوعات و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در داخل و خارج کشورها و در صحنه جهانی و روش اداره و طرز کار این گونه وسایل ارتباطی حساس، خصوصیات متعددی برای آنها پدید آورده‌اند. برای آنکه اهمیت بررسی ویژگی‌های گوناگون ارتباطات توده‌ای یا جمعی زمان حاضر به خوبی آشکار گردد، تعاریفی را که دانشمندان آمریکایی و فرانسوی برای ارتباطات و وسایل ارتباطی کنونی بیان کرده‌اند، نقل می‌کنیم و با توجه به آنها به مطالعه این ویژگی‌ها می‌پردازیم. (دادگران، ۱۳۸۴، ۳۵)

پروفسور "موریس جانوویتز" ارتباطات را چنین تعریف می‌کند: ارتباطات جمعی شامل نهادها و شیوه‌های هستند که از طریق آنها، گروه‌های متخصص، وسایل فنی مختلف (مطبوعات، رادیو، سینما و تلویزیون...) را به منظور انتشار محتوای خاص بین استفاده‌کنندگان وسیع، ناهماهنگ و بسیار پراکنده، به کار می‌اندازند. (محسنیان راد، ۱۳۷۶: ۱۴۳)

پروفسور "ژان استول تزل" مدیر انستیتوی افکار عمومی فرانسه عقیده دارد که ارتباطات جمعی عبارت از انتقال اندیشه‌ها به تعداد فراوانی از افراد در آن واحد است. "ژان کازنو" در این خصوص می‌گوید که وسایل ارتباط جمعی، وسایلی هستند که در شرایط خاص تمدن‌های جدید ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و مهمترین خصلت آنها شدت نفوذ و وسعت حوزه عمل آنهاست. بنابر این، رادیو و تلویزیون را بدون هیچ تردید می‌توان در ردیف این وسایل قرار داد. (معمدنژاد، ۱۳۷۱: ۴۱)

وظایف وسایل ارتباط جمعی

به طور کلی نیازهای روزافزون گروه‌های وسیع انسانی به استفاده از وسایل ارتباطی، برای این وسایل وظایف اجتماعی متعددی همانند وظیفه خبری و آموزشی، وظیفه راهنمایی و رهبری، وظیفه تفریحی و تبلیغی پدید آورده است. (شاه محمدی، ۱۳۸۵: ۳۵)

وظیفه خبری و آموزشی: برای آنکه انسان بهتر بتواند به زندگی جمعی ادامه دهد و در صحنه فعالیت‌های اجتماعی راه مناسب‌تری را برگزیند و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را با آگاهی کامل بر عهده گیرد، باید همیشه در جریان حوادث و اتفاقاتی که هر لحظه در محیط اطراف و در دنیای بزرگ او روی می‌دهد، قرار داشته باشد. در زمان حاضر تنها چند ثانیه کافی است که یک خبر در دور افتاده‌ترین نقاط گیتی پخش شود. به همین جهت است که اکنون در جهان هیچ فردی پیدا نمی‌شود که با وسایل ارتباط جمعی، سر و کار داشته باشد.

وظیفه و نقش اساسی وسایل ارتباط جمعی، انتشار جریان رویدادهای اجتماعی است و همین امر به انسان امکان می‌دهد محیط زندگی را بهتر بشناسد و با توجه به آن، احتیاجات فردی یا جمعی خود را مرتفع سازد، در برابر دیگران راه و رسم شایسته‌تری را در پیش بگیرد، اندیشه‌های خوب بدست آورد و قضاوت‌های درست نشان دهد و به طور کلی به عنوان عضوی از اعضای جامعه، با آگاهی کامل به حقوق و مسئولیت‌های خویش و با آزادی و آسایش به زندگی ادامه دهد. اشتیاق و رغبتی که میلیون‌ها نفر هر لحظه با بدست گرفتن روزنامه، گوش دادن و تماشای رادیو یا تلویزیون، برای خواندن یا شنیدن و در جریان رویدادها و دگرگونی‌های محیط زندگی خویش و محیط دیگران، بیانگر وظیفه آگاه کننده وسایل ارتباطی و نقش حساس آنها در ایجاد همبستگی ملی و بین‌المللی است. با تجزیه و تحلیل وظایف خبری وسایل ارتباطی، می‌توان نقش آموزشی و پرورشی آنها را که محصول انتشار اطلاعات عینی و آرایه روش‌های صحیح زندگی است، نیز معرفی کرد. باید دانست که وسایل ارتباطی با تهیه و انتشار اخبار گوناگون علمی و فرهنگی می‌توانند معلومات جدید و اکتشافات تازه را در اختیار مخاطبان بگذارند، افق دید آنها را گسترش دهد و تامین نیازهای آنان را تسهیل و تسریع نماید. (شاه محمدی، ۱۳۸۵: ۳۹)

وظیفه راهنمایی و رهبری: نقش رهبری کننده وسایل ارتباطی و تاثیر آنها در بیداری و ارشاد افکار عمومی، اکنون بر هیچ کس پوشیده نیست و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. چنانکه می‌دانیم مطبوعات در چند قرن گذشته در مبارزات برای طرد استبداد، از سلاح‌های برنده سیاسی بوده‌اند. اگر به سیر تحولات سیاسی جهان در دو قرن اخیر توجه نماییم، مشاهده می‌کنیم که مبارزات مختلف انسان‌ها برای تامین آزادی فکر و بیان، از عوامل مهم پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی بوده است.

در نظام های مبنی بر دموکراسی، روزنامه‌ها، مجله‌ها، رادیوها و تلویزیون ها و سینماها می‌توانند در راه گسترش ارتباط بین حاکمان و حکومت شوندگان خدمات مهمی انجام دهند و به عنوان آینه تمام نمای افکار عمومی، در جلب همکاری مردم و شرکت دادن آنها در امور اجتماعی تاثیر فراوان بجای گذارند.

وظیفه تفریحی و تبلیغی: وسایل ارتباطی، علاوه بر وظایف مهم خبری، آموزشی، راهنمایی و رهبری که در سازندگی و آمادگی افراد برای زندگی اجتماعی نقش اساسی دارند- وظایف تفریحی و تبلیغی نیز انجام می‌دهند. وسایل ارتباطی با انجام وظایف اخیر بیشتر از لحاظ روانی روی افراد تاثیر می‌گذارند و در صورتی که باعث سرگرم شدن افراد و پرکردن اوقات فراغت آنان گردند، نقش تفریحی دارند و هر گاه به منظور جلب توجه یا ایجاد اعتقاد و اطمینان مورد بهره‌برداری قرار گیرند، دارای نقش تبلیغی هستند. (شاه محمدی، ۱۳۸۵: ۴۱)

برای پاسخ گوئی به نیازهای تفریحی افراد انسانی، وسایل ارتباطی معاصر وظایف گوناگونی به عهده دارند. در دنیای کنونی به سبب فشار کار روزانه و شرایط دشوار زندگی ماشینی، انسان ها بیش از هر زمان به استراحت نیاز دارند و اگر برنامه‌های مناسبی وجود نداشته باشند که اوقات فراغت آنان را پر کنند و خستگی‌ها، اضطراب‌ها و دلهره‌های آنان را تسکین دهند، خیلی زودتر از حد معمول فرسوده و از کار افتاده خواهند شد. توجه فراوان به تامین فراغت بیشتر و استفاده کامل از این اوقات، سبب شده است که به تدریج انسان به سوی یک نوع تمدن فراغت گام بردارد و با کاهش ساعات کار و ایجاد وسایل سرگرمی، از زندگی خود بیشتر لذت ببرد.

در حال حاضر روزنامه و مجله، رادیو و تلویزیون، سینما و اینترنت با انتشار و پخش برنامه‌های گوناگون خود، از بهترین وسایل تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می‌روند. (زورق، ۱۳۷۸: ۳۴) اخبار، مطالب و داستان های مصور مطبوعات، برنامه‌های موسیقی و هنری رادیو و تلویزیون‌ها، فیلم‌های متنوع تلویزیونی و سینمایی، اکنون در تمام اوقات شبانه روز می‌توانند انسان ها را سرگرم کنند و آنان را از غوغا و اضطراب محیط کار و زندگی یا رنج تنهایی دور نگهدارند و برای آنها یک محیط فراغت و آسایش مناسب ایجاد نمایند. (شاه محمدی، ۱۳۸۵: ۲۳)

سلطه

سلطه عبارت از وضعی است که ارباب یا حاکم، اطاعتی را که اصولاً دیگران در برابر او بدان موظف هستند، به دست می آورد. (آرون، ۱۳۸۴: ۶۲۷) در یک بیان کلی، سلطه برخاسته از مفاهیم قدرت است؛ به این دلیل که ساختار قدرت در قالب سلطه گر و تحت سلطه تبلور

می یابد و حالت عینی به خود می‌گیرد. سلطه‌ی توأم با ارائه فرمان و پذیرش فرمان‌بری افراد، از مشروعیت ویژه برخوردار می‌گردد. "سلطه" در واقع مستلزم اعمال قدرت از طریق مجموعه روابط پیچیده اجتماعی است که دربرگیرنده نظارت اجتماعی، قواعد و الزامات درونی شده می‌باشد تا مورد قبول افراد و گروه‌ها قرار گیرد. (نقیب زاده، ۱۳۸۳: ۱۰)

سلطه رسانه

از آنجا که علم و دانش مهمترین ابزار برتری جوامع بر یکدیگر است، بدیهی است کشورهای استعمارگر سابق و توسعه یافته امروز، به منظور حفظ منافع خود در دیگر کشورها از علم و فناوری به عنوان بهترین وسیله استفاده می‌کنند و امپریالیسم خبری، رسانه‌ها، کتب و مجلات را به عنوان ابزاری، به انحصار خود در آورده‌اند که صدها دانشمند طراز اول آمریکایی و اروپایی و گاه، جهان سومی (نخبگان مهاجر)، به شکل سازمان‌یافته‌ای مجهز به آخرین اطلاعات و آمار درباره اغلب کشورهای الویتهای استراتژیک آنها هستند و تقریباً در بیشتر حوزه‌ها و مسائل آنها، از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مشغول تفکر و مطالعه و ارائه راه و روش‌های متعدد می‌باشند؛ و بدین طریق خط‌مشی شبکه‌های بزرگ خبری و اطلاع‌رسانی جهانی را تعیین و ترسیم می‌نمایند.

امروزه تنها چند خبرگزاری غربی به عنوان بزرگترین بنگاه‌های اطلاع‌رسانی و سخن‌پراکنی جهان نظیر؛ یونایتدپرس، اسوشیتدپرس، فرانس پرس و رویتر، روزانه نزدیک به چهل میلیون کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره می‌کنند و ۹۰ درصد اخبار خارجی روزنامه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی، از این چهار منبع خبری تهیه و پخش می‌شود، که خوراک خبری بیشتر رسانه‌ها از این گول‌های خبرگزاری است که به راحتی می‌توانند افکار عمومی دنیا را تحت‌تأثیر قرار دهند. (شاه محمدی، ۱۳۸۸: ۹۵) به عقیده "هاوس" «خبرگزاری‌ها به طور اخص بر خبرهای تألم‌انگیز و فاجعه‌آمیز جهان سوم تأکید ندارد؛ بلکه آنها تصویر مخدوشی از جهان سوم ارائه می‌دهند و برخورد آنها با جهان سوم برخورد قوم‌گرایانه بوده و صرفاً در جهت ارضای بازار خبری تحت سلطه غرب است.» (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

بنابر این، سلطه رسانه‌ای و خبری قدرت‌های جهانی، توانسته است چالشی جدی در زمینه امنیت ملی سایر کشورهای جهان؛ بخصوص کشورهای هدف؛ که تبعاً هم‌قدم و هم‌جهت با سیاست‌های آنها نیستند، بشمار می‌آورد. زیرا باید این واقعیت را پذیرفت که نقش و تأثیر بسزای بنگاه‌های اطلاع‌رسانی بر اذهان عمومی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع این رسانه‌ها بوده‌اند که قیامی به راه انداخته، و یا از برخی رویدادها جلوگیری کرده‌اند. به همین سبب، قدرت رسانه‌ها را به اندازه‌ای می‌دانند که قادر است در سرتاسر جهان، به عنوان مهمترین سلاح به کار گرفته شود. (یان کرایب، ۱۳۸۲: ۲۳۰)

امنیت

در لغت، امنیت به معنای امن بودن : امنیت داشتن. (شهر امن است) و بی خطر بودن (جاده ها امن نیست) امن و امان: آرام و خالی از موجبات بیم و هراس / امنیت: وضع یا کیفیت نبودن خطر یا آشوب، ایمنی (اینجا شب ها امنیت ندارد. کشور از امنیت برخوردار است). معادل انگلیسی این واژه SECURITY و در عربی «الامن» می باشد.

امنیت ملی

تعریف اصطلاحی واژه امنیت ملی با توجه به نظریات متضاد در جامعه شناسی سیاسی، امنیت ملی را می توان شامل گزینه های زیر دانست:

الف - وضعیتی که در آن شکاف های اجتماعی (اساسی در سطوح ملی) فعال نشده باشند. (به عبارت دیگر تفاوت ها و علائق گوناگون - که وجود آنها در هر جامعه ای طبیعی است - به صورت تضاد منفی ادراک نشوند).

ب - وضعیتی که در آن شکاف های اجتماعی «فعال» شده باشد، اما امکان ابراز و حل و فصل نهادینه شده (قانونی) آن موجود باشد. (صرف ابراز قانونی بدون امکان حل و فصل نهادینه شده شکاف های اجتماعی فعال خود مخرب است).

ج - وضعیتی که شکاف های اجتماعی به سرعت فعال شده، امکان ابراز و یا حل و فصل نهادینه شده آن موجود نباشد، اما توانایی لازم در جهت مدیریت بحران و کنترل از طریق نیروهای امنیتی (نظامی/ انتظامی) موجود باشد. (اسمیت، ۱۳۶۴: ۱۲۳) در این خصوص به چند نکته توجه نمایید:

۱ - توجه به سطوح مختلف امنیت ملی:

اگر چه تعریف ما از امنیت ملی در بعد داخلی آن و با رویکرد جامعه شناسانه است ولی قابل تعمیم به بعد بیرونی امنیت ملی می باشد. امروزه مسایل مربوط به امنیت ملی در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی با یکدیگر در ارتباط متقابل می باشند.

۲ - ضرورت شناخت بهترین اقدام متناسب با وضعیت امنیتی:

با توجه به این تعریف می توان گفت که صرف اتکا به نیروی نظامی در بردارنده ی نازلترین سطح امنیت ملی است. به عبارت دیگر نایبستی اولین اقدام در برقراری امنیت ملی آخرین اقدام باشد. اگر چه «حصارهای خوب، همسایه های خوب درست می کند.» اما همیشه این حصارها جنبه سخت افزاری ندارد.

تمامی قوانین مختلف ذیل به نحوی به مسئله ی امنیت ملی باز می گردند :

هر چه عمر هنجارهای مفید اجتماعی بیشتر باشد (کمتر باشد)، پس احتمال برقراری امنیت در جامعه بیشتر خواهد بود.(کمتر خواهد بود). هر چه شناخت منطقی جامعه از طریق

آموزش و پرورش به صورت نظامند افزایش یابد (نیابد)، پس احتمال برقراری امنیت بیشتر خواهد بود. (کمتر خواهد بود). هر چه فرهنگ گفتاری اعضای یک جامعه بیشتر متوجه حل مسائل خویش (و نه تمسخر و استهزاء = تضاد و تفرقه) باشد (نباشد)، پس احتمال برقراری امنیت در آن جامعه بیشتر خواهد بود، (کمتر خواهد بود).

هر چه تولید علم در یک جامعه متوجه حل مشکلات (و نه صرفاً بیان آنها) گردد (نگردد) پس به همان میزان احتمال افزایش امنیت در آن جامعه بالا می‌رود (پایین می‌آید). اگر گروه مرجع مثبت جامعه الف، گروه مرجع جامعه ی ب باشد (نباشد) پس امنیت جامعه فوق متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خواهد بود (نخواهد بود). هر چه قانون‌گذاری یک جامعه متناسب با نیازهای «واقعی» مردم آن جامعه صورت پذیرد (نپذیرد) پس به همان میزان احتمال برقراری امنیت در آن جامعه افزایش می‌یابد (کاهش می‌یابد). (آرون، ۱۳۸۴: ۶۲۸) باید گفت که معمولاً در علوم سیاسی و حقوق، امنیت به پنج بخش: امنیت فردی، اجتماعی، ملی، بین‌المللی و امنیت جمعی (Collective Security) تقسیم می‌شود.

امنیت ملی، که در این گفتار به آن خواهیم پرداخت به حالتی اطلاق می‌شود که در آن هر ملتی فارغ از تهدید و تعرض به تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر می‌برد. واقعیت تلخ آن است که، تاکنون در مجامع داخلی هیچ تعریفی از امنیت ملی که مورد توافق همگان باشد، ارائه نشده و طی این سال‌ها، عمدتاً این مقوله در چارچوب ملاحظات نظامی و انتظامی مورد توجه بوده است. این در حالی است که مطمئناً می‌توان تعریف‌های دقیقی با در نظر گرفتن ابعاد امنیت ملی از آن ارائه کرد به نحوی که تمرکز مسئولیت حراست از امنیت کشور، صرفاً بر روی نیروهای نظامی و امنیتی قرار نگیرد.

به عبارت دیگر، باید تعریفی از امنیت ملی ارائه کرد که سهم اندیشه و فرهنگ در آن به صورت دقیق مشخص شده باشد. البته تلاش‌هایی از این دست در برخی کشورهای توسعه یافته جهت ارائه تعریفی جامع از امنیت انجام پذیرفته است. برای مثال، دانشکده دفاع ملی کانادا امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «امنیت ملی، حفاظت از شیوه پذیرفته شده زندگی مردم است که با نیازها و آرمان‌های مشروع دیگران نیز سازگار می‌باشد. امنیت، شامل فارغ بودن از حمله نظامی یا فشار، آزادی از انهدام داخلی و رهایی از زوال ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای نحوه زندگی، اساسی است.» (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۳)

امنیت ملی در فرهنگ علوم سیاسی به مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خرابکارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفتن، تعریف شده است. امنیت مورد نظر در این تعریف، امنیت نظامی-دفاعی است، موقعیت و وضعیتی از توانمندی دولت و ملت که می‌تواند در برابر حملات

نظامی از خود صلابت به خرج دهد. این تعریف فاقد جامعیت لازم است و نمی تواند معرف امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

امنیت ملی سطحی از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه با رضایت مندی لایه های مختلف جامعه است که تمامیت ارضی، اقتدار ملی، رفاه عامه، توسعه پایدار و مصونیت فرهنگی را بدون دخالت قدرت های خارجی برای موجودیت و کیان کشور فراهم می سازد. گرچه بسته به توانایی و ظرفیت های موجود کشور و شرایط زمانی ممکن است اهداف و برنامه های امنیت ملی محدود شود و یا تغییر کند؛ چنان که امنیت ملی در برابر متغیرهای برون زا (جنگ های بین المللی، تحریم های اقتصادی، بحران های سیاسی منطقه ای، آثار انتقالی برنامه های اقتصادی منطقه ای و فرامنطقه ای و...) و متغیرهای درون زا (شیوع بیماری ها، حوادث و بلایای طبیعی، انقلابات و شورش ها، درگیری های قومی، بحران های داخلی اقتصادی و...) اهداف متفاوتی را دنبال می کند. چه بسا برنامه و هدفی در مواجهه با این متغیرها تعطیل، و برنامه و هدفی دیگر جایگزین آن شود و یا جابه جایی اولویت ها را پدید آورد. ولی تمامی این تغییر و تحول ها و گوناگون شدن برنامه ها و تصمیمات در راستای حفظ سه اصل لازم و ضرور یعنی استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی است تا در نهایت، رفاه عامه، غنای فرهنگی، رضایت مندی آحاد جامعه و برتری اقتصادی علمی را برای جامعه به ارمغان آورد. به عنوان مثال امنیت ملی در برابر متغیر برون زایی چون جنگ، اولویت را به دفاع نظامی و تقویت بنیه دفاعی می دهد و ناگزیر برای مدتی اصول تامه، یعنی رفاه عامه و امنیت سرمایه گذاری و اقتصادی در ازای حفظ اصول لازمه به تأخیر می افتد. امنیت در برابر متغیرهای برون زا به «امنیت خارجی» و امنیت در قبال متغیرهای درون زا به «امنیت داخلی» قابل تعریف است که هر دو در جهت و در استخدام اصول لازمه و تامه موجودیت کشور هستند. (کوزر، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

امنیت منفی و امنیت مثبت

میل و خواست درونی تمام حکومت ها و نظام های سیاسی، بقا و دوام حاکمیت و نظام سیاسی است. از این رو، هر حاکمیتی در پی تحقق امنیت ملی، برنامه ها و شیوه هایی است که در تعارض و تناقض با حاکمیت خود نباشد. هر نظامی آن گونه که حاکمین، نخبگان، خواص و رهبران آن تعیین می کنند و می پندارند که گونه ای مؤثر و کاراست، به دنبال نهادینه کردن امنیت در جامعه خویش است و البته ابزارها، روش ها و شیوه ها برای نیل بدین منظور از نظامی به نظام دیگر متغیر می باشد. برخی (بیشتر در گذشته) با خودکامگی، استبداد، زور و خشونت، سلب آزادی های فردی و جمعی و با مانع تراشی بر سر بروز و ظهور آرا و اندیشه های نو و پیشرو و سرکوب هر نظر مخالف و اعمال سیاست داغ و درفش، در

حقیقت به دنبال امنیت بخشی نه به جامعه، بلکه به حاکمیت خود هستند. اینان می‌پندارند امنیت کشور در زیر چکمه و قداره سایه گستر خواهد شد. آنان با ایجاد فضای خفقان، ترس و وحشت و گسترش ناامنی به دنبال امنیت و پرده پوشی عیوب و نواقص خود هستند. این امنیت «امنیت منفی» است. (مولانا، ۱۳۷۱: ۴۵) این روش شاید در مدت زمانی کوتاه، حیات یک نظام حکومتی را تأمین کند، اما به طور قطع در بلند مدت پاسخگوی نیازها نخواهد بود. امنیت حاصله از این طریق ناپایدار، صوری، ظاهری و سطحی است و دیری نخواهد پایید که چنین فضایی پایه‌ها و ارکان چنین نظامی را فروکشاند. اما برخی نظام‌ها با افزایش مشارکت مردم در اداره و عمران حکومت، تحزب‌گرایی، بهادادن به اندیشه‌های مخالف، پذیرش انتقاد، پی‌جویی عدالت اجتماعی، افزایش رفاه و آسایش، ارتقای بهداشت و آموزش، سازماندهی و ساماندهی اداری و اقتصادی کشور، آزادسازی اطلاعات و... احساس امنیت در تمامی شئون مملکت می‌پراکنند. این امنیت، «امنیت مثبت» است. این روش زعامت و سیاست، گرچه محتمل است در کوتاه مدت آسیب‌ها و صدماتی در شئون حکومتی پدید آورد، اما در بلندمدت؛ سربلندی، عزت، اقتدار، پیشرفت و رفاه جامعه را به ارمغان خواهد آورد. بررسی تمامی نظام‌های سیاسی و معطوف به قدرت از منظر جامعه‌شناسانه این نکته را به دست می‌دهد که الگوهای رفتاری حکومت، بسته به آگاهی عمومی و خواست و اراده ملت همواره در حال تغییر است. هر چه آگاهی و دانش ملتی رو به فزونی است درک و فهم تصمیمات و سیاست‌های دولت و حکومت آسان‌تر و همراهی با آن بیشتر و راهگشاست؛ و هر چه آگاهی محدود شود، نامأنوسی بین ملت و دولت بیشتر و گره بر گره مشکلات تنیده‌تر خواهد شد. در گذشته حکومت‌مداران و سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران با حیطه بندی قدرت و به کارگیری ابزارها و اهرم‌هایی چون سانسور، کلیشه بندی و قالب سازی مفاهیم جامعه‌شناختی، تقویم و تقویت فواصل طبقاتی، رانت خواری و... به تخدیر، تخریب و تحدید آگاهی عمومی می‌پرداختند تا در پرتو آگاهی مقبوض، به حاکمیت خود ادامه دهند. غافل از اینکه در این فرایند، کشور از توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازمانده و قادر به همراهی و همگامی خود با تغییرات و تحولات جهانی نخواهد آمد. (اسکندری، ۱۳۸۳: ۱۰)

وسایل ارتباط جمعی و وفاق ملی

همبستگی و وفاق ملی به عنوان پدیده‌ای فراتر از یگانگی و یکسانی است که بنیاد آن بر حضور و قبول ارزش‌های مشترک قرار دارد اما به معنای مشابهت مکانیکی در اندیشه و عمل نیست. وفاق ملی وجود همبستگی‌های سازواره بر اساس مبانی مشترک و حل و فصل چندگانگی‌ها از طریق روابط متقابل و شیوه‌های عقلانی جمعی و فردی است. هر جامعه در

گذار از فرایند تراکم و تجمع به تمایز و تفکیک می رسد، ولی برای ارتقای این حالت به مرحله ای بالاتر به انسجام و یکپارچگی نیازمند است.

این نیاز در پرتو وفاق ملی و همبستگی اجتماعی تحقق می یابد. به این ترتیب وفاق ملی بر توافق کلی بین افراد، گروه ها در اندیشه و احساس مبتنی است که در جامعه ای متحول و متفاوت شکل می گیرد. وفاق ملی فرایند فعال پویا انتخاب شده و برآمده از مشارکت اجتماعی است. از این رو در باره آن به اختصار می توان گفت:

- نتیجه جامعه ای فعال است،
- بر مداخله و مشارکت شهروندان متکی است،
- مشارکت اجتماعی با رقابت معنا می یابد،
- در رقابت اجتماعی نیاز به مدارا و قبول ساز و کارهای عقلانی دارد، زیرا ضعف این دو موجب پایین آمدن سطح مشارکت و در نهایت وفاق ملی می شود،
- نظام تنظیم روابط متغیر افراد و گروه ها از لوازم تحقق وفاق ملی است،
- پایبندی به ارزش ها و میثاق های مشترک اساس نظام تنظیم رفتارها و روابط اجتماعی است.

با توجه به این تعاریف، در پی بالا رفتن ظرفیت های مشارکتی جامعه آن هم در سطوح عمومی و با ایجاد چنین سطحی از وفاق و همبستگی ملی رسانه های جمعی هستند که هم در سطح نخبگان و هم در سطح عامه می توانند همبستگی ملی را از طریق تنوع و تفاوت به انجام رسانند. البته وسایل ارتباط جمعی، قدرت آن را نیز دارند که با تنزیل قدرت انتخاب مخاطبان و تضعیف روند نهادی شدن ارزش های اجتماعی و انتقال تصورها و انگاره های از هم گسیخته غیر بومی و فراملی، پایه های وفاق را سست نمایند.

کاررسانه ها در حفظ و تحکیم وفاق ملی چه به لحاظ سخت افزاری و چه به لحاظ نرم افزاری، بالا بردن توان انتخاب جامعه، افزایش مشارکت، رقابت و پویایی شهروندان، درونی و نهادی کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی ساز و کارهای حل و فصل تعارض ها و چنگانگی های فرهنگی و اجتماعی است. در حقیقت وسایل ارتباط جمعی باید بتوانند به برقراری و استحکام رابطه میان تنوع و وحدت و یا تمایز و یکپارچگی مدد رسانند تا وفاق ملی و در نهایت امنیت ملی پایدار بماند.

وسایل ارتباط جمعی مولفه های جدید همبستگی و گسستگی

وسایل ارتباط جمعی در روند تثبیت یا تهدید وفاق و امنیت ملی و توسعه همه جانبه کشور با نقش ها و کارهایی مواجه هستند که برآمده از توجه یا بی توجهی به ساختار فرهنگی جامعه و شدت و شتاب تغییرات آن می باشد. برخی از چند پارگی های قدیمی، مذهبی،

قومی و زبانی که ناشی از ساخت کهن کشور ماست در کنار وقوع دومی از چند پارگی های خاص پیدایش جامعه نو مثل تعارض ها، تحرک ها، تعارض های جدید طبقاتی و یا گسستگی های برخاسته از احساس تعلق به دو شیوه زندگی، دو نوع فرهنگ جدید و قدیم می توانند به کمک وسایل ارتباط جمعی کاهش یافته و یا تقویت شوند. معمولاً اگر این چند پارگی ها به سطوح ایدئولوژی و عمل تعارض آمیز فرهنگی و سیاسی برسند و با توسعه وسایل ارتباط جمعی به صورت متشکل و مدون درآیند از موانع عمده همبستگی ملی و تهدیدهای جدی امنیت ملی می شوند. متقابلاً در صورت شناخت ابعاد و حدود این مسایل و میزان تاثیر رسانه ها بر آنها می توان راهبردهای متوازن توسعه رسانه ای و در نتیجه تقویت امنیت ملی را در پیش گرفت.

نتیجه گیری

همان گونه که بیان شد، امنیت ملی به عنوان مفهومی تعمیم یافته به تمامی وجوه اجتماعی، دارای ابعادی فراتر از توان نظامی جهت حفاظت از مرزهای ملی است. تردیدی نیست که قدرت نظامی برای حفظ استقلال ملی، یکی از مهم ترین پایه های امنیت ملی بشمار می آید، اما از آنجا که حتی در کلی ترین تعاریف نیز، از امنیت ملی بمنزله «قدرت به حداقل رسانیدن هر نوع تهدید به منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشورها» یاد می شود، لذا مؤلفه های جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تحقیق این مفهوم معنا یافته است. هم تهدید منافع ملی و هم ساز و کارهای مقابله با آن، مقوله هایی چند سببی و چند وجهی هستند که در یک فضا و زمان، دستخوش دگرگونی و تغییر مداوم و شتابان می شوند. باید گفت که فرآیند پرتاب ارتباطات جهانی که حاصل گسترش جابجائی های انسانی و مسافرت، جهانگردی و توسعه کمی و کیفی رسانه های نوشتاری، پخش جهانی شبکه های رادیو و تلویزیونی و شبکه های ماهواره ای، جریان های فرامرزی اطلاعات، همراه با تحول ابزاری و رواج بین المللی رسانه های کوچکی چون تلفن، رایانه، مودم، ویدیو، دستگاه های تکثیر و انتقال و مرتبط شدن آنها با یکدیگر است، چشم انداز گسترده ای از امنیت ملی، عوامل بقا و موانع آن ترسیم کرده است. به یقین انقلاب ارتباطات، سهم بزرگی در پیدایش دورانی ایفا نموده که به درستی عصر «شتابندگی تاریخ» نامیده شده است. اگر در این قرن برای فروپاشی امپراطوری های عثمانی، اتریش، اسپانیا، پرتغال، فرانسه، انگلیس و آلمان دو جنگ جهانی لازم آمد، برای اضمحلال امپراطوری شوروی (سابق) حضور رسانه های جهانی، ویدیو، شبکه های کامپیوتری کافی بود؛ تا ساز و کارها و تغییرات اجتماعی از پیش مهیا شده را تشدید نمایند. در این فرآیند تغییر، آنچه که بسیار اهمیت دارد، حفظ و استحکام همبستگی و پیوستگی میان بخش های مختلف جامعه است.

بر این اساس باید گفت که هیچ بخشی نسبت به بخش‌های دیگر جامعه نباید دچار پس‌افتادگی یا پیش‌افتادگی شود؛ چرا که وقوع چنین امری عدم تعادل و بی‌ثباتی را در پی دارد و همین جریان، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد. آنچه مسلم است ارتباطات و امنیت، رابطه‌ای دوسویه، متقابل و جدایی‌ناپذیر از یکدیگر دارند. بنابراین، این تأمین امنیت در گرو تناسب نظام اطلاع‌رسانی و ارتباطی با نیازهای ملی و تهدیدهای بین‌المللی است. ارتباطات جمعی با دو چهره سازنده و ویرانگر خود در روند پاسخگویی به نیازهای ملی و تهدیدهای بین‌المللی ظاهر می‌شود. چهره ویرانگر آن «اکنون زده» کردن جامعه و به عبارتی؛ گسستن از گذشته و نیندیشیدن به آینده است. منفعل ساختن فکری و فرهنگی جامعه در زیر رگباری از اطلاعات و اخبار از هم گسیخته، تحریف واقعیت‌ها، تولید بی‌امان رویا و گسترش شتابان ارزش‌های چیره جهان صنعتی و مادی اندیش می‌باشد. اما از چهره سازنده ارتباطات جمعی نیز نباید غفلت کرد. رسانه‌های جمعی در این گذار تاریخی در عین حال می‌توانند تأمل درباره زمان را بیاموزند و گذشته، حال و آینده را در مسیر تاریخی جامعه پیوند زنند و امکان ارتباط میان انسان، تاریخ و جهان را فراهم آورند. بدین ترتیب رسانه‌های جمعی در این زمانه برای امنیت استوار و همه جانبه نه تنها به عنوان «فرصت» تلقی می‌گردند؛ بلکه به مثابه «تهدید» نیز عمل می‌کنند؛ که هم «زمان» و «مکان» پیوند و پیوستگی بخش‌های مختلف جامعه و بازشناسی و بازآفرینی تاریخ و ارتباط و مبادله با جهان را شتابی روزافزون داده‌اند و هم برای گسستگی بخش‌ها، غفلت از گذشته و محاط شدن در چنبره نظام جهانی به مثابه محرکه‌ای قدرتمند معنا یافته‌اند. شرایط ویژه زمانی، جهانی و ملی، رویکردها و نگرش‌های خلاقانه روز را طلب می‌کند؛ نگاه‌ها و راه‌حلهایی که آثار و عوارض منفی و مثبت رسانه‌های جمعی را با یکدیگر مورد توجه قرار دهد.

منابع

- آرون، ریمون. ۱۳۸۴، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، مترجم باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، تهران
- اسکندری، محمدحسین و داراب‌کلانی، اسماعیل؛ ۱۳۸۳، پژوهشی در موضوع قدرت؛ پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم
- اسمیت، آنتوان. ۱۳۶۴ ژئوپولیتیک اطلاعات یا شیوه‌های سلطه‌جویی فرهنگی استعمار در جهان از طریق رسانه‌ها، ترجمه فریدون شروانی، تهران: انتشارات سروش.
- دادگران، سید محمد، ۱۳۸۷. مبانی ارتباطات جمعی، انتشارات فیروزه، تهران
- زورق حسن. ۱۳۶۸ مبانی تبلیغ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- شاه محمدی، عبدالرضا. ۱۳۸۸. ارتباطات بین الملل، انتشارات زرباف اصل. چاپ هفتم، تهران
- شاه محمدی، عبدالرضا. ۱۳۸۸. اقناع و تبلیغ، انتشارات زرباف اصل. چاپ ششم، تهران
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد؛ ۱۳۸۵ نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ سوم، تهران
- کوزر، لوئیس؛ ۱۳۸۲ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ دهم، تهران
- محسنیان راد. ۱۳۷۶ ارتباط شناسی، انتشارات سروش، تهران
- معتمدزاد، کاظم، ۱۳۷۱، وسایل ارتباط جمعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
- مولانا، حمید. ۱۳۷۱ زبان بین‌المللی اطلاعات گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها،
- نقیب‌زاده، احمد. ۱۳۸۵، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، مهر، چاپ پنجم قم
- یان کرایب؛ ۱۳۸۲، نظریه اجتماعی کلاسیک؛ شهناز مسمی‌پرست؛ انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران